



هارپ

هارپ که بایتالیائی آنرا Arpa و با آلمانی Harpe چنگ نامند قدیمترین و جدیدترین ابزار موسیقی است. مبدء این ابزار از مصر است و در ۴۰۰۰ سال پیش از میلاد وجود داشته. در آنه وقت تقریباً بیلبندی يك و نیم متر و دارای شش یا هشت زه بود. بروز (Berose) تاریخ نویس معروف که سه سده پیش از میلاد زندگی میکرده میگوید هارپ در کلدیه و بابل وجود داشته تصاویر چندین سده پیش از میلاد عده زیادی هاریستهاراد در قصر سنناشربا (Sennacherib) پادشاه آشوری نشان میدهد پس معلوم میشود که در آن زمان هارپ متداول بوده.

بابلی ها هاریهای زیاد مخصوصاً در تشریفات مذهبی استعمال میکرده اند و گویند که پادشاه سالومون (Salomon) موسیقی زیاد دوست میداشت و يك دسته چهار هزار نفری هاریست و همینقدر تر میتیست جمع آوری کرده بود چند سده پیش از میلاد جورهای مختلف هارپ در ممالک شرقی و بعداً در اروپا دیده میشود.

کلیمیان هاریهای سه گوش داشتند که با يك دست آنرا گرفته و با دست دیگر مینواختند در اوائل سده دوازدهم کم کم بتوسط پوپ سیلواستر (Pope Sylvester) در روم داخل کلیسیا شد در سده چهاردهم نوازندگان جهان کرد

(Troubadours) هارپ را زیاد استعمال میکردند و در هم‌نوازی با آوازهای شیرین‌زنده

تر و قشنگ‌تر مینمود



همینطور در سده‌های پانزده و شانزده هارپ در آلمان متداول گشت تا در سال ۱۷۳۲ میلادی هندل (Heandel) اولین بار برای هارپ یک آهنگ Thema کلاسیک قابل توجهی نوشت در اواخر سده هفده هارپ کم‌کم در ارکستر نیز استعمال شد ولی چون هارپ از یک طرف نوازندگان زبردست نداشت که مردم را جلب نماید از طرف دیگر با آن ممکن نبود تکه را با مودولاسیون (Modulation) بنوازند هرگز ترقی زیاد در باره آن مشاهده نگشت ابزارها یک‌یک در مدت کمی بی‌الاترین درجه پیشرفت خود رسیدند هشتاد سال پیش ویولنسل بتوسط سیروس (Seruais) تکمیل یافت همچنین ویولون بتوسط پاکانینی بمشکل‌ترین درجه خود رسید پیانو هم بعد از نیمه‌ی سده ۱۸ که تا آن موقع کلایوسن (Clavecin) معمول بود شروع بترقی نمود و در چند سال کم‌کم بمنتهای درجه پیشرفت رسید

اولین کسی که ب فکر ساختن هارپ‌هایی با امکان مودولاسیون (مد گردی) افتاد هوخبر و کر بود (Hochbrucker) که از سال ۱۷۲۰ شروع بتجربه‌چنین هارپها نمود و جورهای مختلفی از آن بساخت ولی هنوز کاملاً نواختن آنها میسر نبود چند نفر دیگر مثل گوپفرد (Goepfert) لووت (Louvet) نادرمان (Nadermann) و کوزینو (Cousineau) و بعداً درباره آن کوشیدند و آنرا بوسیله پاگیرها (Pèdales) کامل کردند ولی این دستگاه هم مشکلاتی در بر داشت مخصوصاً زیاد بودن پاگیرها برای نوازنده خیلی دشوار بود بعداً در سال ۱۷۸۲ کوزینو (Cousineau) اولین بار ب فکر ساختن رکابهای (پاگیر) دو تائی (Double) افتاد تا نوازندگان بتوانند عده پدالها را بکاهند و نقشه نیز درست کرد ولی هنوز آنرا

نساخته بود که در گذشت بالاخره در سال ۱۸۱۱ سباستیان ارار (Sebastian Erard) فرانسوی اولین بار در لندن هارپی با پاگیرهای دو تائی بمعرض نمایش گذارد مردم آنرا پسندیده و برا تشویق زیاد کردند ولی او در لندن نماند و بکشور خود بازگشت و در پاریس شروع بساختن هارپهای جدید نمود اما از حیث کمی عده و گرانی قیمت فقط توانگران آنرا میخریدند آنهم نه برای نواختن بلکه برای قشنگی تادریکی از سالونهای خود بگذارند از آنزمان مردم بفکر افتادند که شاید هارپ برای تجمل است این فکر از روی اشتباه است و هارپ يك ابزار کامل و مستقل است و با آن تکه هائی میتوان نواخت که احساسات و مشکلات موسیقی را نمایان سازد هارپهای پرسیدا و خوش زنگ (طنین) و شیرین لحن در این سی سال اخیر درست شده و مردم عشق و علاقه برای نواختن آن پیدا کرده اند و اکنون در تمام کنسرواتوارهای بزرگ دنیا کلاس هارپ وجود داشته و شاگردان با میل تمام آن را می آموزند.



هارپ دارای لحن شیرین است این ابزار هیچ شباهتی با ابزارهای دیگر ندارد و سعت صدای آن بجز پیانو بیشتر از تمام ابزارهاست

بیشتر گمان میکنند که زههای هارپ را مثل ویولون پیزیکاتو (Pizzicato) مینوازند ولی این گمان از روی اشتباه است برای اینکه برای نواختن آن اولاً انگشت را فشار داده و بعد آن را رها میکنند و این اولین درس است لحن هارپ مربوط به همین قسمت است و برای خوب نواختن آن شاگردان از روز اول باید هر چه بیشتر در این قسمت بکوشند.

هارپ دارای تکنیک سریع است ولی تا کسی Toucher خوب پیدا نکرده نباید برای بدست آوردن تکنیک بکوشد لحن شیرین نیز اگر بی احساسات باشد اثری

نخواهد بخشید پس نوازنده باید کاملاً با روحیه سرشار باشد تا بتواند با لحن شیرین تمام رنگها و گرمی و احساسات قطعه را بطور کامل اجرا نماید.

برای خوب نواختن هارپ نوازنده باید موسیقی دان کامل باشد کوش خوب و احساسات و فهم موسیقی داشته با تمام ابزارها مخصوصاً ابزارهای زهی آشنا باشد نوازنده هر ابزار نه فقط باید بیندیشد که ابزار را برای لذت خود مینوازد بلکه باید بتواند افکار و احساسات و روحیه نغمه پرداز را بطور شایانی مجسم سازد هارپیست وقتی که خود را نوازنده زبر دست یافت حتماً باید از خود بپرسد آیا موسیقی دان است یا نه؟ دانستن موسیقی مشکلتر از نواختن هارپ است و برای رسیدن بان باید سالها کوشید.



زهای هارپ معمولاً ۶ ۴ دانه و مثل گام دیاتنیک پیانو کوه می شوند.

هارپهای جدید دارای هفت یا گیرند که بتوسط آنها میتوان گامها را عوض کرد هارپ در حال معمولی که پاکیرها همه در جای خود هستند گام دیاتنیک دو بمل بزرگ را نشان میدهد برای مودولاسیون بگام سل بزرگ با فشار یکی از پاکیرها بمل را میکاهیم تا فا بمل بکار شده گام سل بمل بزرگ شود همین نت فا بمل که با یک فشار پاکیر آنرا بکار کردیم اگر همین پاکیر را بدرجه دوم فشار بدهیم نیم پرده صدای آن بالا خواهد رفت و فا بفادیز تبدیل خواهد شد و همچنین پاکیرهای دیگر هر نت را بسه آن مختلف عوض می کنند یکی از بهترین خصائص هارپ آنستکه بجز نتهای ر و سل و لا تمام نتهای دیگر را میتوان بطور هم آهنگ نواخت یعنی ممکن است گام دو دیز بزرگ را در موقع لزوم بگام هم آهنگ خود که ر بمل بزرگ است عوض کرد پاکیرهای هارپ فقط در عوض کردن گامها بکار میروند و هیچ ربطی با خفه کردن صدا مثل

پاگیر های پیانو ندارد خفه کردن صدای هارپ بتوسط کف دست عملی می شود اگر ارتعاشات هر نت آنرا خفه نکنند صدای آن تا یک دقیقه شنیده میشود و صداها مخلوط هم شده آ کردهای نامطبوع تشکیل خواهند داد. حساسیت زههای هارپ سبب می شود که با نواختن يك نت تمام زههای دیگر آن بارتعاش در بیایند پس باید در موقع لزوم تمام زههای هارپ را خفه کنند تا هیچ صدائی از آن باقی نماند. بیشتر خفه کردن را روی نت مینویسند و نوازنده باید حس کند که کجا آنرا عمل کند برای نواختن ستاکاتو (Staccato) باید پس از نواختن هر نت هر چه زودتر آنرا خفه کرد.



بزرگترین نغمه پردازی که برای هارپ بهترین تکه ها را نوشته دبوسی است. کارلوس سالز دو (Carlos Salzedo) هاریست معروف راجع بواکنش چنین مینویسد: واکنش برای هارپ مخصوصاً در ارکستر قطعات زیاد نوشته است ولی نمیتوانست طوری بنویسد که اثر دلخواه را در بیارند مثلاً در « آتش افسون شده » در يك قسمت هارپها باید از داخل تمام صدا های ارکستر نمایان گردند و اثراتش را در مردم ایجاد کنند ولی تمهایی که نوشته شده هر چه هم بهتر نواخته شود هرگز اثراتش را نخواهد بخشید ولی برعکس در تکه های دبوسی همیشه در موقع لزوم صدای هارپ از داخل ارکستر نمایان شده و بگوش شنوندگان با اثرات مخصوص میرسد. بیشتر نغمه پردازان چندان اهمیتی بهارپ نداده و آنرا طوری که باید نمی شناختند و گمان میبردند هارپ جز همناوازی با ابزار دیگر نمیتواند نواخته شود از این جهت نمیتوانستند تکه هائی بسازند که اثرات مخصوصی داشته باشد ولی دبوسی چون هارپ را يك ابزار کامل و مستقل میدانست برای آن تکه های زیاد نوشته که دارای اثرات مخصوصی است از اینجهت ترقیات هارپ را بدبوسی نسبت میدهند.

سخن را اینجا بیایان میرسانیم با امید واری که هارپ نوازان هنرستان خودمان نیز با فهم و کوشش شایان بکار خود ادامه دهند و سر بلند باشند که ابزاری مینوازند که بوسیله آن ممکن است قشنگی بیحد طبیعت را بهتر از سایر ابزارها نمایان

یایان

هارپیک در هو انسیان

